

یک استاد اقتصاد با اشاره به لزوم بازنگری در سیاست‌های رفاهی حاکمیت؛

یارانه ۴۵ هزار تومانی به کار کسی نمی‌آید، فکر اساسی کنید



وضعیت وخیم دهک‌های پایین جامعه در سال‌های اخیر که با کاهش ارزش پول ملی، تشدید شده است، اتخاذ سیاست‌های رفاهی راز سوی حاکمیت به گزینه‌ای ضروری بدل کرده است. به گزارش «توسعه ایرانی»، با وجود تهیه، تدوین و اجرای بسته‌های رفاهی همچون پرداخت نقدی یارانه‌ها، ایجاد مسکن، معیشت، اعطای سهام عدالت و... از سوی دولت‌های منتخب در دهه ۹۰، اما با اعمال تحریم‌های گسترده از سوی جامعه بین‌الملل علیه ایران و نیز سوءمدیریت و بی‌تدبیری در اجرای سیاست‌های رفاهی، وضعیت مردم در این دهه، افت شدیدی نسبت به دهه ۸۰ داشته است و در این بین، کارگران به عنوان بزرگترین قشر جامعه که اتفاقاً در دهک‌های پایینی هم حضور دارند، بیشترین ضربه‌ها را از وضعیت اقتصادی خورده‌اند. «علی قنبری» عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس معتقد است که دولت‌ها در زمینه تعیین دستمزد کارگران کوتاهی می‌کنند. به گفته وی، تعیین حداقل دستمزد بر اساس میزان تورم و سبب معیشت خانوار، مسأله‌ای نیست که هر ساله در مورد آن بحث و جدل صورت گیرد بلکه باید قانون تعیین دستمزد، بدون هیچ بحثی اجرا شود. مشروح گفت‌وگوی خبرگزاری کار ایران (ایلنا) با این استاد دانشگاه در ادامه می‌آید.

■ ■ ■

بحران معیشتی جامعه، بیشترین فشار را بر اقشار کم‌درآمد و ضعیف جامعه وارد کرده، طوری که حتی تأمین حداقل‌های زندگی هم برای خیلی از افراد سخت و بعضاً ناممکن شده است. مهم‌ترین عامل بحران معیشتی در ایران را چه می‌دانید؟

مهم‌ترین عامل، مدیریت ناکارآمد در کل کشور و در همه سطوح است. در کنار این موضوع، بحث تحریم‌های فشار مضاعفی بر اقتصاد کشور وارد کرده که به اعتقاد من دلیل آن هم ناکارآمدی مجموعه سیاست‌های دولتی است. به علاوه شیوع کرونا و تداوم آن نیز شرایط را بدتر کرده و به بحران معیشتی دامن زده است. همه اینها دست به دست هم داده و کار را به جایی رسانده که در حال حاضر نرخ تورم و بیکاری بسیار بالاست و ولی رشد اقتصادی و درآمد سرانه پایین است. به‌طور کلی شاخص‌های اقتصادی اصلاً وضعیت خوبی ندارند و در نتیجه جامعه با بحران معیشتی مواجه است.

دولت آینده برای بهبود شرایط اقتصادی و همچنین بهبود وضعیت کارگران و اقشار ضعیف جامعه چه اقدامی باید انجام دهد؟

دولت باید در مسیر توسعه قرار بگیرد. اگر دولت در این مسیر حرکت کند، اقشار مختلف جامعه از جمله کارگران هم می‌توانند به‌فراوان برسد. دولت باید تاجایی که ممکن است در اقتصاد دخالت نکند و فضا را برای رونق

سرمایه‌گذاری‌ها داخلی و خارجی مناسب کند. برای این کار باید فضای کشور را امن کند و با جهان تعامل داشته باشد تا امکانات توسعه و سرمایه‌گذاری رشد فراهم شود. از طرفی دولت باید به وضعیت اقشار ضعیف جامعه از جمله کارگران توجه ویژه‌ای داشته باشد. تأمین رفاه اجتماعی و افزایش سطح دستمزدها با توجه به افزایش تورم، مواردی است که دولت باید به آنها بپردازد تا حداقل بگیران و اقشار ضعیف و کشاورزان و... بتوانند بالای خط فقر زندگی کنند و با توجه به آنچه در قانون اساسی آمده، امکان زندگی آبرومندانه داشته باشند. به‌طور کلی سیاست‌های دولت باید در راستای ایجاد رفاه نسبی برای اقشار ضعیف جامعه باشد.

با کاهش دخالت دولت در اقتصاد اشاره کردید. آیا این موضوع به‌ضرر اقشار ضعیف جامعه نیست؟

خیر. اول اینکه دولت باید کاری کند تا اقشار جامعه در فضای رشد و توسعه قرار بگیرند و از طرفی با برنامه‌هایی که تنظیم می‌کند به اقشار ضعیف جامعه توجه ویژه‌ای نشان دهد. به اعتقاد من لازم نیست دولت دخالت مستقیم در امور داشته باشد بلکه باید برنامه و استراتژی لازم در این زمینه داشته باشد. قوانین و ضمانت‌اجرا قوانین باید به گونه‌ای باشد که به‌طور مثال کارفرمایان موظف به پرداخت حداقل دستمزد به کارگران باشند.

اجرای سیاست‌های رفاهی در این شرایط چقدر امکان دارد؟

در شرایط فعلی اجرای سیاست‌های رفاهی در این شرایط چقدر امکان دارد؟

مجموعه سیاست‌های سال‌های اخیر، سبب افزایش فقر و فاصله طبقاتی شده است. این وضعیت پیامدهای سیاسی و اجتماعی زیادی به همراه آورده است. با چه سیاست‌هایی باید در صدد ترمیم این مشکل برآمد؟

دولت، دخالت سایر ارگان‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری، نبود یک حاکمیت کارآمد و وجود تفرقه بین نهادهای تصمیم‌گیر از یک طرف و سیاست‌های تنش‌زاد منطقه و جهان از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌ها عملاً ناممکن شده و رفاه اجتماعی به محاق رفته است. لازم رسیدن به وضعیت بهتر این است که با ایجاد فضای آرامش و اطمینان برای سرمایه‌گذاری‌ها، به سمت رشد تولید و رشد اقتصادی برویم و با رونق بخشی به فضای رقابتی کسب و کار و ایجاد نظامی مبتنی بر تأمین اجتماعی، این مشکلات را به تدریج رفع کنیم.

اجرای سیاست‌های رفاهی در این شرایط چقدر امکان دارد؟

در شرایط فعلی اجرای سیاست‌های رفاهی در این شرایط چقدر امکان دارد؟

به عنوان سوال آخر، این وضعیت و بحران را تا چه اندازه ساختاری و ریشه‌ای می‌دانید؟

میزان قابل توجهی از مشکلات ساختاری است و البته صرفاً به دولت بر نمی‌گردد. ببینید پرداخت ۴۵ هزار تومان به کار کسی نمی‌آید. پرداخت این یارانه به نوعی، هدر دادن پول است و باعث ایجاد تورم می‌شود. باید برای برون‌رفت از این وضعیت و بهبود وضعیت اقشار ضعیف جامعه، فکری اساسی کرد و شرایط و قوانین رفاه اجتماعی ایجاد کرد تا همه بتوانند در فضای اطمینان بخش و آرام زندگی کنند.

در خصوص لزوم اجرای سیاست‌های رفاهی در این شرایط چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

طبق قانون اساسی، این وظایف بر دوش دولت است و دولت باید برای تأمین نیازهای

یادداشت

حق مسکن کارگران؛ معطل در راه‌روها

فرمانروایی، رئیس کمیته‌استدزاد کلون عالی‌شوراها

شب بیست و سوم اسفند ۹۹ در آخرین جلسه رسمی شورای عالی کار، در کنار افزایش ۳۹ درصدی پایه مزد و سایر مزایا، حق مسکن کارگری نیز با ۵۰ درصد افزایش از ۳۰۰ هزار تومان به ۴۵۰ هزار تومان رسید اما مسأله اینجاست که نه در فروردین ماه و نه در نیمه اول اردیبهشت، این افزایش ۱۵۰ هزار تومانی در هیات دولت به تصویب نرسید و کارگران همچنان در انتظار اعمال افزایش حق مسکن در دستمزد در یافتی خود هستند.

حق مسکن مانند سایر مزایای مزدی است و فرقی با بن خواربار یا حق سنوات ندارد و نباید اجرائی شدن آن منوط به تصویب هیات دولت باشد لذا قوه مقننه باید به این موضوع ورود کند و لزوم تصویب حق مسکن در هیات دولت را اباط کند تا به محض تصویب در شورای عالی کار، حق مسکن لازم‌الاجرا باشد. وقتی نهادی سه‌جانبه مانند شورای عالی کار، افزایش حق مسکن را به تصویب می‌رساند و سه‌وزیر عالی‌رتبه دولتی به نمایندگی از جانب دولت، پسای این مصوبه را امضا می‌گذارند، دیگر نباید نیازی به تصویب در هیات دولت باشد. این روند بوروکراتیک و طولانی، هیچ نمره‌ای جز پیامال کردن حقوق مزدی کارگران و ایجاد دل‌سردی در جامعه کارگری ندارد.



موضوع دیگر «زمان اعمال افزایش حق مسکن» است. معاون روابط کار وزارت کار اعلام کرده که «زمان اجرای حق مسکن بسته به تصمیم هیات دولت است». این حرف هیچ سندیتی ندارد. وقتی زمان اجرای حق مسکن در شورای عالی کار و به‌طور سه‌جانبه توسط نمایندگان هر سه گروه از شرکای اجتماعی تعیین شده و به تصویب می‌رسد، دیگر نباید هیات دولت بتواند در آن دست کاری کرده و زمان آن را تغییر دهد، ضمن اینکه حق مسکن، جزو مزایای مزدی هر سال است یعنی حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی جزو دریافتی سال ۱۴۰۰ کارگران است و سال، دوازده ماه دارد و لذا باید این ۴۵۰ هزار تومان از ماه ابتدایی سال یعنی فروردین به کارگران پرداخت شود.

این تأخیر، راه را برای قانون‌گریزی یا تخلف کارفرمایان کشور باز می‌کند. فرض کنید در پایان اردیبهشت یا خرداد، حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی در هیات دولت به تصویب برسد. زمان اجرای آن فروردین ماه است و کارفرمایان ملزم می‌شوند مابه‌التفاوت ۱۵۰ هزار تومانی را برای ماه‌های ابتدای سال بپردازند اما با این تأخیر، ممکن است بسیاری از کارفرمایان بهانه بیابند چون قرارداد کارگران با آن حق مسکن ۳۰۰ هزار تومانی بسته‌اند، دیگر نمی‌توانند آن را تغییر دهند و تا پایان قرارداد، کارگران باید همان حق مسکن ۳۰۰ هزار تومانی را بگیرند، ضمن اینکه هیچ نظارتی برای پرداخت مابه‌التفاوت‌ها اعمال نمی‌شود. مثلاً سال گذشته که حق مسکن در تیر ماه مصوب و ابلاغ شد، هیچ نظارتی بر اجرای آن صورت نگرفت و حتی سازمان تأمین اجتماعی نظارت نکرد که کارفرمایان در لیست‌های بیمه‌ای بعد از تیر ماه، حق مسکن را افزایش داده و برای آن حق بیمه رد کرده باشند، بنابراین این وسط، تنها کارگران از این تأخیر متضرر می‌شوند و بس!

متأسفانه عرف جدیدی در دولت باب شده که حق مسکن را چند ماه در راه‌روهای خود در رفت و برگشت میان کمیسیون‌ها، معطل می‌گذارند، حال آنکه مگر هیات دولت چند نفر است؟ مگر سه‌وزیر اقتصادی در شورای عالی کار نبوده‌اند و پای حق مسکن ۴۵۰ هزار تومانی را امضا نکرده‌اند؟ پس این روال طولانی بوروکراتیک، دیگر چه معنایی دارد؟

در پایان باید گفت زرمه‌هایی بود که قرار است حق مسکن در هفته کارگر تصویب و ابلاغ شود و ظاهراً به عنوان هدیه و عیدی دولت به کارگران تلقی شود (هر چند حق مسکن، حق کارگران است و عیدی دولت نیست) اما این اتفاق هم یفتافت و مسا همچنان منتظریم. باید پرسید آیا هیات دولت، و حاکمیت معیشتی کارگران را نمی‌بینند یا آن را جدی نمی‌گیرند؟



رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی با بیان اینکه ۵۰ درصد حوادث کار مربوط به ساخت و ساز است، گفت: بیش از ۹۹ درصد پروژه‌ها ساخته می‌شود در ریغ از اینکه یک نفر برای بارزی کار بیاید. اکبر شوکت در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر اظهار داشت: بیش از ۹۹ درصد پروژه‌های ساختمانی در کشور ساخته و تمام می‌شود، در ریغ از اینکه یک نفر از اداره کار یا مرکز بهداشت برای نظارت و بازرسی به این محیط‌ها بیاید. بازرسی از پروژه‌های ساختمانی بیشتر نمادین بوده یا اینکه پروژه بسیار

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی:

۵۰ درصد حوادث کار مربوط به ساخت و ساز است

بزرگ است و از این محیط یک بازرسی کلی صورت می‌گیرد. اغلب بازرسی و نظارت‌ها بعد از رخ دادن حادثه است که آن هم صرفاً برای بررسی اوضاع است نه تذکره به کارفرما. وی با بیان اینکه بازرسی در پروژه‌های ساختمانی در حد صرفاً است، ادامه داد: بیش از ۷۵ درصد پروژه‌های ما خودمکالک است، یعنی کارفرما تخصصی در ساخت و ساز ندارد و اهمیت به موضوع ایمنی نمی‌دهد و نهایتاً اگر مهندس ناظری هم بگیرند باز هم به دنبال کاهش هزینه‌های ایمنی و حتی حذف این هزینه‌ها هستند زیرا از نظرشان هزینه مهمی نیست. شوکت یادآور شد: جان انسان‌ها هم برای کارفرما و هم برای دولت‌هایی ارزش شده است. اگر دولت‌های مادر این قضیه محکم می‌ایستادند، امروز پروژه‌های ساختمانی ر کورددار حوادث ناشی از کار نبودند. وی افزود: از ۱۴ میلیون کارگر

بیمه‌شده در کشور فقط یک میلیون نفر کارگر ساختمانی هستند و بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون کارگر ساختمانی بیمه‌نند. نکته مهم اینکه هرچه در کل کشور تقریباً دو میلیون کارگر ساختمانی داریم اما ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار مربوط به این قشر است و ۵۰ درصد دیگر مربوط به میلیون‌ها کارگر دیگر است. اگر به عنوان مثال در سال هزار کشته داشته باشیم، ۵۰۰ کشته مربوط به کارگران ساختمانی است و ۵۰۰ کشته مربوط به سایرین است. این موضوع عمق فاجعه را در بخش ساخت و ساز کشور نشان می‌دهد. رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی گفت: به‌هیچ عنوان نباید فقط آمارهای وزارت کار را برای حوادث ناشی از کار در نظر گرفت زیرا این آمار فقط مربوط به حوادثی است که منجر به شکایت شده، از این رو باید آمار بزرگی قانونی را مدنظر قرار

مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار:

کارکنان مشاغل ساده، بیشترین حقوق بگیران بخش خصوصی هستند

نتایج پژوهش مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از بررسی وضعیت شغلی شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر کشور طی ۹ ماهه سال گذشته نشان می‌دهد که بیش از ۸۵ درصد افراد در بخش خصوصی و حدود ۱۵ درصد در بخش عمومی مشغول کار

بوده‌اند. بیشترین سهم در بین حقوق‌بگیران بخش خصوصی نیز متعلق به کارکنان مشاغل ساده بوده است. به گزارش ایستادگاه برآورد‌های حاصل از طرح آمارگیری نیروی کار در ۹ ماهه سال گذشته، سهم مردان از تعداد شاغلان ۱۵ ساله و موتوری و موتورسیکلت، به ترتیب با ۲۴٫۴ درصد و ۱۳٫۶ درصد در ده‌های بعد قرار دارند. همچنین در بین شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر کشور در ۹ ماهه سال ۱۳۹۹ حدود ۸۵٫۲ درصد در بخش خصوصی و ۱۴٫۸ درصد در بخش عمومی مشغول به فعالیت بوده‌اند که بیشترین سهم در بخش خصوصی مربوط به مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی با ۴۱٫۴ درصد و کارکن مستقل با ۳۶٫۴ درصد اختصاص داشته است. براساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات